

المپیادی‌های سالهای قبل

اشاره

روزنامه «همشهری» سه‌شنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۷۵ گزارشی را از خانم فریبا صحرایی در ارتباط با «فرار مغزها»، «رتبه‌های المپیادها و جایگاه واقعی ایران در علوم پایه» منتشر نمود. از آنجا که دو تن از عزیزان مورد گفتگو- «بهرنگ نوحی» و «مه‌دی عسگری»- از فارغ التحصیلان «سمپاد» و دانشجویان دوره دکترای (M.I.T) و «پوردو» می‌باشند، جهت اطلاع خوانندگان مجله مشروح این گزارش را با تغییر عنوان عیناً نقل می‌نمائیم.

«سمپاد»



برگزیدگان المپیادها کجا هستند؟

این اولین پرسش ما بود، «میرزایی» مسئول المپیاد های دانش آموزی وزارت آموزش و پرورش، اولین کسی است که به سراغ او می‌رویم. وی می‌گوید: متأسفانه هنوز از خیلی از این بچه‌ها بیخبر هستیم و علاقمندیم که بدانیم اعضای تیمهای پیروز در المپیادهای جهانی الان کجا هستند و چه می‌کنند؟

در شهر کمبریج، ایالت ماساچوست ساعت از یک بامداد گذشته است، «بهرنگ نوحی» دانشجوی دوره دکترای ریاضی دانشگاه M.I.T و برنده مدالهای نقره و طلای المپیاد های ریاضی چین و سوئد درسالهای ۶۹ و ۷۰، گوشی تلفن را برمی‌دارد. ما انتظار شنیدن صدای یک عضو دیگر تیم پیروز المپیاد ایران در همان سالها، یعنی «پیمان کسائی»، را داریم. به هر حال فرصت را مغتنم شمرده گفتگو را آغاز می‌کنیم. شگفتی او از این مکالمه از طنین کلامش پیداست. خواب آلودگی مانع از فعالیت ذهن روشن و دقیق او نشده، فقط لحظه ای مکث می‌کند و بعد گفت و شنود آغاز می‌شود:

○ چه شد که برای ادامه تحصیل به آن دانشگاه رفتید؟

● بعد از لیسانس تصمیم گرفتم بروم. به هر حال اینجا جو علمی بهتر است و امکانات بیشتر.

○ جو علمی یعنی چه؟ لطفاً بیشتر توضیح دهید:

● مهمترین تفاوت، پویا بودن جو علمی در اینجا است. اینجا ارتباطات علمی قوی است و همین ویژگی وجود کادر آموزشی توانمند و قوی به تعداد کافی، باعث می‌شود که استاد و دانشجو به آسانی بتوانند ضمن شرکت در کنفرانسهای مختلف، به تبادل اطلاعات علمی و ایده‌های مختلف بپردازند. اینجا امکانات کتابخانه ای خیلی زیاد است. هم کتابخانه های دانشگاهی و هم کتابخانه های شهر، به وفور هست و دسترسی به آنها هم بسیار آسان است. از طرف دیگر دستیابی به مقالات و مجلات جدید هم از طریق این کتابخانه ها و هم از طریق شبکه های کامپیوتری، به سهولت امکان پذیر است.

○ عمده‌ترین کاستی‌های دانشگاهی که شما در دوره لیسانس در آن درس خواندید، چه بود؟

● مهمترین کمبود این است که تعداد استادان و متخصصان محدود است. منابع و اطلاعات کتابخانه‌ای و آرشویی در دانشگاههای ما هم به روز نیست و اگر بخواهی در ایران فعال و زنده کار کنی، معمولاً عقبی، مگر اینکه برای خودت بچرخ و سرسری از روی مسائل رد شوی.

○ این مشکلاتی است که گریبانگیر بیشتر دانشگاه‌های ما است، فکر می‌کنید دلیل وجود این مشکلات چیست و مسئله اصلی کجاست؟

● به عقیده من مسئله اساسی ما این است که در مجموعه نظام آموزشی ما درک عمومی لازم در مورد این که یک دانشگاه واقعاً باید چطور باشد، وجود ندارد. ما باید باور داشته باشیم که وجود بعضی امکانات برای کار علمی ضرورت دارد و برای این کار هم مشکل ما بیشتر در سطح برنامه ریزی و اجرایی است تا اقتصادی. مقامات آموزشی عالی کشور باید حداقل این ایده را داشته باشند که احتیاجات اولیه یک دانشجو را (که زمانی خودشان همانها را در کشورها دانشگاه‌های خارجی تجربه کرده اند)، در اختیارش بگذارند و او تامین کنند. مسئله دیگر به عقیده من، در زمینه ارتباط گیری است. مثلاً کسی که می‌خواهد از ایران به یک کنفرانس خارجی برود، با مشکلات زیادی رو به رو می‌شود، در حالیکه در اینجا اگر خود من به عنوان دانشجو مثلاً برای انجام پژوهش علمی تصمیم بگیرم به کشور دیگری سفر کنم، فقط مطرح می‌کنم و خیلی سریع و بدون دردسر مخارج و هزینه سفر از طرف دانشگاه محل تحصیلم در اختیارم قرار می‌گیرد.

○ بعد از اتمام درستان آیا به کشور بر می‌گردید؟

تصمیم همه بچه‌های المپیادی که در اینجا ادامه تحصیل می‌دهند بازگشت به کشور است.

○ با چه انگیزه و هدفی بر می‌گردید؟

● انگیزه ای که باعث می‌شود من برگردم این است که یک تعدادی از دوستان من در اینجا هستند که همه دوست دارند برگردند و با هم در کشور خودشان کار کنند.

○ یعنی به انگیزه کار گروهی با دوستانان بر می‌گردید؟

● بله چون فکر می‌کنیم، اگر با هم باشیم می‌توانیم یک کاری کنیم و وضع و جو علمی را حداقل در رشته خودمان بهتر کنیم.

○

○

○

سی و هشت سال پیش، استادانی از کشور رومانی طرح برگزاری یک رشته مسابقات ریاضی را در سطح مدارس دوره دبیرستان خود بنیاد نهادند و در سال بعد نخستین آزمون ریاضی را به اجرا در آوردند و به این ترتیب اولین المپیاد ریاضی شکل گرفت. از آن پس با مشاهده نتایج مثبت چنین ابتکاری، که طی آن سعی می‌شود علی‌رغم کشمکش‌های گوناگون سیاسی و دسته بندی‌های موجود، صحنه‌هایی فارغ از هر گونه تفاوت‌های اقتصادی، نژادی، قومی و... جهت حضور و مبارزه سالم علمی جوانان مستعد از ملل گوناگون ایجاد گردد، المپیادهای دیگری نیز در علوم پایه شکل گرفت و هر ساله بر تعداد شرکت کنندگان آن افزوده شد.

در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷ میلادی)، اولین تیم ملی المپیاد ریاضی دانش‌آموزان ایرانی رهسپار مسابقات بین‌المللی ریاضی در کشور کوبا شد و در سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، دانش‌آموزان ممتاز ایرانی به ترتیب برای نخستین بار به المپیادهای جهانی فیزیک، شیمی و انفورماتیک پا گذارند و نتایج ارزنده‌ای از حضور خود در صحنه‌های جهانی برجای نهادند.

از آن زمان تاکنون سالها می‌گذرد، لیکن جریان مستمر المپیاد، این نهال نوپا، امروز به درخت تنومندی بدل شده و در سایه این تحول، همه ساله هزاران دانش‌آموز مستعد نقاط مختلف کشور، عرصه تلاش فوق‌عادی را پیشاپیش خود می‌بینند و برای رسیدن به قله‌های آن، با تلاش توان‌فرسایی تمامی استعداد‌های خود را بروز داده و شکوفا می‌سازند.

المپیاد به توسعه علوم پایه کمک می‌کند، اما...

جریان المپیاد، البته موجی از حرکت و اشتیاق جوانان و دانش‌آموزان کشور را به علوم پایه بوجود آورده است و اقبال این قشر را به شاخه‌های این علم افزایش داده است. همچنین با گزینش و گردآوری استعداد های گم شده در گوشه و کنار کشور، به شناسایی آنان می‌پردازد، اما این جریان بالاخره راه به کجا می‌برد و چطور به تقویت بنیه علمی، صنعتی و تکنولوژی کشور می‌انجامد؟

علی اصغر خان‌بان، دانشجوی فوق لیسانس ریاضی دانشگاه صنعتی شریف و عضو اولین تیم ریاضی در کوبا می‌گوید:

«از همان ابتدا هدف از برگزاری المپیاد، این بود که دانش‌آموزان مستعد در علوم پایه بیشتر جذب این رشته شوند. المپیاد هم قبل از مرحله نهایی و هم بعد از آن نتایج مثبتی دارد. به طوری که قبل از برگزاری ایجاد انگیزه می‌کند و بعد هم می‌تواند به تربیت متخصص، استاد و دانشمند بیانجامد و در نهایت به توسعه علوم پایه در کشور کمک کند. اما اگر در اینجا قدری غفلت شود، این خطر وجود دارد که بچه‌های خوب شناسایی شوند و جذب دانشگاه‌های خارج گردند. کما اینکه الان تعدادی از آنها جذب این دانشگاه‌ها شدند و این وظیفه مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی کشور است که موضوع را جدی گرفته و زمینه جذب دوباره آنها را فراهم آورد. مشکلی که در نظام آموزش عالی از همه مهمتر است این است که از بعضی واقعیتها خیلی فاصله دارد. مثلاً هیچ اولویتی را برای استعداد های درخشان و یا دانشجویان خوب رعایت نمی‌کنند. درحالی که باید اولویتی وجود داشته باشد. تنها سرمایه‌ای که ما داریم و می‌توانیم روی آن حساب کنیم، بچه‌های خوبی هستند که به این رشته می‌آیند. اگر نتوانیم این سرمایه را هم نگهداریم، همه چیز با زبه ده سال پیش بر می‌گردد.» وی در ادامه در پاسخ به این سؤال ما که برای گذراندن دوره دکترای به خارج خواهد رفت یا خیر می‌گوید: «این امکان هست و دلیل آن هم بیشتر نبود امکانات مناسب کتابخانه‌ای و اطلاعاتی در کشور است و ما مجبوریم برای اینکه از علم روز عقب نمانیم این کار را بکنیم.»

مقام فرع قضیه است!

دکتر تابش رئیس دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف، در پاسخ به این سؤال که آیا پیروزی و آوردن مقام در المپیادها نشانه کیفیت مطلوب نظام آموزشی و حاصل آن است یا خیر، می‌گوید: این نکته خیلی دقیقی است و به اعتقاد من در نظام آموزش و پرورش ما علی‌رغم تمام مسائل موجود، یک موتور پنهانی وجود دارد، که چنین نخبگانی را بیرون می‌دهد. البته اگر بخواهیم دقیقاً موشکافی کنیم، بایستی بیشتر بررسی کنیم.

وی فلسفه اصلی برپایی المپیادهای جهانی را کمک به توسعه و تقویت علوم پایه در کشورها توصیف کرده، می‌افزاید: در حقیقت مقام آوردن در این المپیادها فرع قضیه است و موضوع اصلی آن است که از این طریق جنبشی ایجاد کنند. در کشور های مختلف جهان از کسی که به نوعی در این مسابقات درخشندگی داشته است نوعی ارزیابی مثبت وجود دارد و تمام دانشگاه‌های معتبر دنیا در صددند تا با جذب این استعدادها و سرمایه‌گذاری کوتاه مدتی برای آنها، سالیان سال از فکر و توانشان بهره بگیرند.

دکتر تابش درخصوص کاستی‌های نظام آموزش عالی کشور و دلایل ناتوانی این نظام در حفظ فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، این چنین اظهار می‌کند:

نظام آموزش عالی ما، نظامی توتالتر است و در این نظام، دانشگاه‌های ما مثل دبیرستانهای بزرگ اداره می‌شوند. یعنی برنامه آموزشی مرکزی برای دانشگاهها تنظیم می‌شود و همه تصمیم‌گیرها به صورت متمرکز انجام می‌گیرد، در حالی که دانشگاه مرکز تولید علم است و در چنین مرکزی، باید آزادی عمل در برنامه آموزشی وجود داشته باشد و نباید مقررات توتالتر حاکم باشد.

متأسفانه در حال حاضر مقررات دانشگاه‌های کشور بر روی کاغذ یکسان است. مسائلی مانند ارتقاء استادان، ارزیابی کیفی، بودجه، امکانات تخصیصی و... یعنی دانشگاه‌های ما به طور غیر رسمی رده بندی پیدا کرده‌اند. و متأسفانه مجموعه نظام آموزشی

ما شاید هنوز اهمیت قضیه نیست و من فکر می‌کنم اگر فرزندان ما جذب دانشگاه‌های خارجی می‌شوند، به آن دلیل است که ما هنوز نتوانسته‌ایم دانشگاه کیفی با برنامه‌های متناسب با نیازشان ایجاد کنیم. بچه‌های المپادی با علاقه خودشان تحصیل کردند و واقع آن است که دیگر کسی چیزی بلد نبود که به آنها یاد دهد.

وی می‌افزاید: مهمترین دستور کار برای مسئولین و دست اندرکاران کشور برای جذب دوباره این استعدادها آن است که روی این قضیه سرمایه گذاری ویژه ای کنند و ضمن تامین امکانات معیشتی، امکانات علمی لازم را نیز برای آنان فراهم آورند. این بچه‌ها محصول این مرز و بوم هستند و ما باید به هر قیمتی که هست آنها را برگردانیم.

آموزش و پرورش یا آموزش عالی کدام مسئولند؟

اگر مهمترین هدف از برگزاری المپیاد را تقویت علوم پایه و تربیت متخصصان و نخبگان این علم در کشورها بدانیم، باید با یک برنامه ریزی هدفمند و منسجم و نیز همیاری و همکاری ارگانهای مسئول در امر آموزش عمومی و عالی کشور خود رابه اهداف مورد نظر نزدیکتر کرده، تنها به نتایج کوتاه مدت نیندیشیم تا مسئولیتها را تعریف نکنیم و جایی برای شانه خالی کردن از وظایف باقی گذاریم یقیناً از این اهداف متعالی دورتر و دورتر خواهیم شد.

حسین میرزایی مسئول المپیادهای دانش آموزی و رئیس «باشگاه دانش پژوهان جوان» در آغاز کلام، ارتقاء سطح علوم پایه، ایجاد خود باوری در دانش آموزان و کمک به تقویت علوم در کشور از جمله اهداف اساسی المپیاد دانسته، می‌گوید: وقتی دانش آموز، به عنوان نمادی از کل جامعه، چند بار در یک امتحان شرکت کند و همیشه نفر آخر شود، به او حتماً اینطور القا می‌شود که فاقد پتانسیل و آمادگی پتانسیل و آمادگی لازم است، ولی اگر هر بار در همین مسابقات به نتایج بهتری دست یابد، به این خود باوری می‌رسد که نه خیر پتانسیل لازم را دارا است و اگر شرایط فراهم باشد می‌تواند آنها را بروز دهد.

وی در پاسخ به مابقی سوالات ما تنها می‌گوید: وظیفه آموزش و پرورش این است که این بچه‌ها را بیاورد و انتخاب کند و به وزارت فرهنگ و آموزش عالی معرفی نماید و بعد از آنکه وارد دانشگاه شدند ما دیگر مسئولیتی نداریم. مگر اینکه خودشان بیايند و با عضو شدن در باشگاه با ما ارتباطی برقرار کنند. البته باشگاه دانش پژوهان جوان هم برای این راه اندازی می‌شود که متولی امر المپیاد باشد. ضمن آنکه قصد دارد بعد از ورود این بچه‌ها به دانشگاه با آنان ارتباط ایجاد کند و از پیشرفت کارهایشان مطلع باشد.

معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی:

ارتباط اداری با این دانشجویان در خارج از کشور نداریم. تسهیلات هم همان است که برای دیگر دانشجویان ایرانی قائل شده‌ایم. یعنی اینها می‌توانند در صورت مراجعه و درخواست برای رفت و آمد خود به کشور، سالی یکبار از تخفیف قابل توجه در بلیت هواپیما برخوردار شوند، اما فکرمی‌کنم وظیفه انجمنهای علمی است که با این افراد رابطه مستمر داشته باشند.

ارتباط مقطعی و اداری است...

در تعریف دستاوردهای المپیاد مکرر از پیوند دانشگاه و آموزش و پرورش، سخن رفته است. دست اندرکاران برپایی این مسابقات، تشکیل کمیته‌های علمی متشکل از اساتید دانشگاه و کارشناسان آموزش و پرورش، نظارت بر جریان علمی المپیادها و برنامه‌ریزی آموزشی و انتخاب تیم و سرپرستی آن را در خارج از کشور توسط این کمیته‌ها، پیوند مبارک این دو ارگان علمی کشور می‌دانند و معتقدند ثمره این همکاری نزدیک است که وارد دانشگاه شده، فضای علمی را متحول سازد.

یک کارشناس آموزشی در این زمینه معتقد است: «ارتباطی که ایجاد شده، مقطعی و کاملاً اداری است و ارتباط علمی بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با کل نظام آموزش عمومی یا ارتباط ساختاری آموزش عالی و آموزش و پرورش نیست بلکه ارتباط چند استاد دانشگاه با چند دانش آموز، آنهم قبل از برگزاری المپیاد را نمی‌توان ارتباط دانشگاه با آموزش و پرورش قلمداد کرد، کما اینکه پس از ورود این دانش آموزان به دانشگاه هیچ ارتباط خاصی بین آنها و آموزش عالی کشور و حتی

آموزش و پرورش برقرار نیست.» وی می‌گوید: «این افراد باید بیشترین تاثیر خود را در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و در بخشهای تحقیقاتی بگذرانند، که متأسفانه در این مقاطع دانشگاه برای آنها چیزی برای گفتن ندارد و تعدادی از آنها مجبورند کشور را ترک کنند.»

امتیازهای خاص برای المپیادها!

رئیس دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف، در خصوص نوع امتیازات ویژه دانشجویان ممتاز و المپیادی در دانشگاه‌ها می‌گوید: مقداری بورس و کمک هزینه تحصیلی به المپیادی‌هایی که مشغول تحصیل در دانشگاه‌ها هستند داده میشود که مبلغی حدود ۲ هزار تومان را دانشگاه می‌دهد و در برخی موارد مرکز تحقیقات فیزیک نظری یا ریاضیات هم ماهانه ۵ یا ۶ هزار تومان می‌دهند.

ضمن اینکه بعضی دانشگاه‌ها هم بنا به سلیقه مدیریت آن، برنامه درسی بهتری برای آنان و دانشجویان ممتاز شان تدوین می‌کنند، تا هم درس بیشتری بخوانند و هم سریعتر تحصیلات خود را تمام کنند.

محمد علی خجسته پور، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برق مخابرات دانشگاه شیراز و عضو دومین و سومین اعزامی ایران به المپیادهای جهانی ریاضی، در پاسخ به این سوال که دانشگاه محل وی چه امتیازاتی برایشان قائل است، می‌گوید:

هیچ امتیاز خاصی برای ما وجود ندارد و ما کاملاً با دیگران برابر هستیم. به طوری که نه بورس تحصیلی می‌گیریم و نه برنامه آموزش ویژه ای داریم. گرچه من تعمداً دانشگاه خودم را در محل زندگیم انتخاب کردم تا شاید بتوانم در آنجا کاری انجام دهم، ولی متأسفانه حتی در جاهایی که تلاش کردم، امکاناتی را که می‌خواستم ندادند. مثلاً قبل از شرکت در المپیادهای بین المللی، فیزیک (۱)، (۲) و (۳) را به طور کامل و از روی همان کتابهای دانشگاهی به ما یاد داده بودند و ما مجبور بودیم همانها را دوباره در دانشگاه بگذرانیم و این یعنی عمر تلف کردن.

مثلاً در همین دانشگاه شیراز مدتهاست به دنبال آن هستیم که برای استفاده از اطلاعات علمی جدید، به شبکه اینترنت متصل شویم و امکانات لازم را هم ایجاد کرده ایم و فقط مشکل یک خط تلفن بین شیراز و تهران کار ما را بیش از یک سال به تعویق انداخته است.

مازیار رامین راد، یکی از اعضای تیم اعزامی ایران به سی و پنجمین المپیاد بین المللی ریاضی (در هنگ کنگ) که اکنون در سال دوم رشته ریاضی تحصیل می‌کند، در همین زمینه می‌گوید: در هیچیک از رشته های مختلف دانشگاهی هیچ کمک هزینه ای به ما تعلق نمی‌گیرد و برنامه خاص آموزشی برایمان تدوین نشده است. بیشتر بچه‌های المپیادی را در دانشگاه اصلاً کسی نمی‌شناسد و شاید فقط در ترم اول کمی به بعضی از آنها توجه نشان داده شود.

وی با اشاره به لزوم تخصیص امکانات علمی و مالی برای دانشجویان ممتاز مستعد دانشگاهها می‌افزاید:

دانشجویان مستعد ما بخصوص در مقاطع بالای تحصیلی مجبورند برای تأمین مخارج خود، در کنار درسشان به کارهایی مثل تدریس خصوصی بپردازند و حتی بعد از ۵، ۶ سال کار در دانشگاه و اتمام درس، تازه با مشکلات جدید مالی و مسئله تأمین زندگی و آینده خود مواجه می‌شوند.

محمود بهمن آبادی، عضو کمیته علمی المپیاد و مسئول آموزشی المپیاد فیزیک می‌گوید:

اصلاً هیچ تفاوتی بین المپیادها با دانشجویان دیگر قائل نیستند و هیچ امتیازی برایشان در نظر نمی‌گیرند.

حتی برخی از واحدها را که در المپیادها گذرانده اند، بالاجبار مجبورند دوباره در دانشگاه بگیرند و این عین بی عدالتی است. در حقیقت فعلاً کسی در مورد این بچه‌ها، مسئولیتی قبول نکرده و مثل دانشجویان معمولی می‌آیند و می‌روند، در حالیکه بعضی از آنها از لحاظ مادی واقعاً ضعیف هستند و باید حمایت شوند. ضمن اینکه عطش علمی زیادی دارند و اگر ما نتوانیم تأمینشان کنیم مطمئناً از دست می‌روند. چون از خیلی از جاها برای آنها دعوتنامه می‌آید و ما هنوز خوابیم و از خواب بلند نخواهیم شد.

وی می‌افزاید: اینکه ما در هر یک از المپیادهای جهانی، رتبه اول یا سوم را بگیریم، به هیچ وجه نشان دهنده رتبه علمی کشور نیست. مرتبه علمی از نظر من در دانشگاهها نشان داده می‌شود و در اینجا است که ما عملاً هیچ نمی‌بینیم. در واقع برای شرکت در المپیاد، ما واقعاً از مدارسمان نمونه برداری نکرده‌ایم و فقط یک سری نخبه را انتخاب کرده، فرستاده‌ایم و سطح علمی مدارسمان خیلی پائینتر از این حرفهاست.

من فکر می‌کنم هر دو وزارتخانه آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی در این زمینه مسئولند، چون از دست دادن این سرمایه‌ها به معنای از دست دادن هزاران نفر است.

مهدی عسگری، یکی دیگر از عزیزانی است که از آمریکا از آنسوی خط تلفن با صمیمیت پاسخگوی سؤالات ما می‌شود. او صاحب مدال برنز سی و دومین المپیاد جهانی ریاضی (در سوئد) است و اکنون دانشجوی دکترای ریاضی دانشگاه «پوردو» (بزرگترین دانشگاه آمریکا) در ایالت ایندیانا است.

○ در دانشگاهی که الان در آن درس می‌خوانید، چه تفاوتی با دانشگاههای ایران دارد؟

● تفاوت قابل ملاحظه‌ای که اینجا با اغلب دانشگاههای ایران دارد این است که سیستم‌طوری طراحی شده و کار می‌کند که دانشجو کمترین مقدار ممکن از وقتش را برای کارهایی که ارتباطی به کارهای علمی و تحصیلی او ندارد، صرف کند. نکته دیگر مثلاً وقتی است که ما برای مطالعه صرف می‌کنیم. من یادم هست که در تهران مقدار زیادی از وقتمان را در راه صرف می‌کردیم و در خود دانشگاه هم به دلیل اینکه جای مناسبی برای درس خواندن نداشتیم، نمی‌توانستیم از اوقات بیکاری خوب استفاده کنیم. در دانشگاهی که ما هستیم بخصوص در رشته ما مهمترین مسئله، تعداد زیاد استادان برجسته است. با اینکه دپارتمان ریاضی این دانشگاه شاید در آمریکا جزو بیست دپارتمان اول هم نباشد، اما چیزی حدود ۹۰ استاد سطح بالا دارد و همین است که به دانشجو امکان انتخاب بهتر می‌دهد و کل محیط را عوض می‌کند و وضع را تغییر می‌دهد.

○ نظام آموزشی ایران چه کاستی‌هایی داشته که شما برای ادامه تحصیل مجبور به ترک ایران شده‌اید؟

● بزرگترین مسئله، کمبود دانشمند خوب است، به دلیل اینکه علی‌الاصول دانشمند برجسته کم داریم و از همین تعداد کم هم بسیاری در خارج از ایران به سر می‌برند.

○ ... به چه دلیل؟

● دلایل مختلفی وجود دارد که بعضی غیرعلمی است. اما عده‌ای هم واقعاً دلایل علمی دارند. برای خیلی از این افراد مسئله زندگی کردن در ایران اصلاً مطرح نیست و مسئله اصلی آنها فقط کار علمی کردن در ایران است، به دلیل اینکه ما جو علمی خوبی در ایران نداریم و انجام کارهای علمی با مشکلات زیادی همراه است.

○ فکر می‌کنید برای جذب دوباره این متخصصان و دانشمندان، چه کارهایی باید در کشور صورت بگیرد؟

● این بستگی زیادی به کسانی دارد که قرار است برگردند. اما به طور کل عواملی مثل عوض شدن فضای علمی موجود در کشور بسیار مهمند. اگر کسانی که بیرون هستند، ببینند که در رشته‌های مورد نظر آنها در داخل، تحقیق به معنای واقعی کلمه جان گرفته و انجام می‌شود، حتماً بر می‌گردند. البته در نظر گرفتن یک سری مسائل اجتماعی، مثل تأمین زندگی آنان و اطمینان از داشتن یک زندگی بی‌دغدغه آنها به منظور انجام کارهای تحقیقاتی از جمله عوامل ضروری دیگرند که رغبت بازگشت این سرمایه‌ها را بیشتر می‌کنند.

○ از نظر شما موانع اصلی رشد تحقیق در کشور ما چیست؟

● مانع در خیلی جاها وجود دارد و این خیلی خوشبینانه است که بگوییم حالا این یک مورد را درست کنیم، همه چیز اصلاح می‌شود. ما در بخش مدیریتی، مسائل اداری و کارهای اجرایی مشکل داریم. به عقیده من الان در ایران بزرگترین مشکل ما این نیست که پول کافی برای خرید وسائل و تجهیزات نداریم، مشکل اصلی این است که ذهنیت درستی برای خرید امکانات مورد نیاز نداریم.

○ وقتی در ایران بودید با وزارت آموزش عالی ارتباط داشتید و آیا رفتنتان با همکاری این وزارتخانه بود؟

● نه خیر، در ایران که بودیم هیچ وابسته‌ای از وزارت آموزش عالی با ما ارتباط نداشت و هم من و هم بچه‌های دیگر خودمان کارهای آمدن به اینجا و پذیرش گرفتن را انجام دادیم. گفت و گوی آخر را با برنده مدال نقره سی و یکمین المپیاد بین المللی ریاضی انجام دادیم.

آرش رستگار دانشجوی دکترای ریاضی دانشگاهی در ایالت نیوجرسی است. حاصل این گفتگوی تلفنی به عنوان حسن ختام گزارشی که پیش رو دارید چنین است:

○ نظرتان را در مورد جریان المپیادها و نتایج آن بفرمائید، آیا مقامهای بدست آمده در این مسابقات تا چه اندازه حاصل کار نظام آموزشی ما است؟

● جریان المپیاد، روی توجه عمومی مردم به علوم پایه در کشور تأثیر زیادی گذاشته است.

من فکر می‌کنم نظام آموزشی ما در هر دو شکل قدیم و جدیدش در کشور چیزی است که درست و چندان روی آن کار نشده. یعنی بیشتر به این فکر می‌کنند که ما امکانات آموزش چه چیزهایی را داریم تا اینکه ببینند بچه‌ها چه چیزهایی را باید آموزش ببینند و به همین دلیل سیستم طوری عمل نمی‌کند که هر کس تمام اطلاعات مورد نیازش را تا سنین مشخص آموزش ببیند و مسلماً همین قضیه در مورد المپیادها هم صادق است. نتیجه خوب در المپیاد آوردن، کار آسانی است و فقط به یک یا دو سال کار کردن نیاز دارد. در صورتی که برای تقویت معلومات پایه و اساس و اثرگذاری بر روند توسعه کشور و انجام کارهای با ارزش علمی، باید زحمت کشید.

○ مهم ترین ضعف نظام آموزش عالی را در چه می‌بینید؟

● یک مسئله مهم از نظر من این است که، اصلاً نظام آموزش عالی در دانشگاههای ما چقدر قدرت دارد و سطح علمی و کارشناسی مسئولین این بخش چه مقدار است و رفتارشان چگونه است. لذا مشکلات این بخش ربطی به فضای علمی ندارد. مشکلات فضای علمی را دانشمندان می‌نشینند حل می‌کنند. ما بیشتر و در کارهای اجرایی مسئله داریم. متأسفانه هنوز تصور درست از اینکه یک مسؤل و مقام علمی باید دارای چه تجربیاتی باشد، وجود ندارد. در حالی که این یک امر بدیهی است.

○ فکر می‌کنید برای دانشجویان المپیادی و یا ممتاز چه امتیازاتی باید در دانشگاههای کشور در نظر گرفته شود؟

● من فکر نمی‌کنم که این نگرانی وجود داشته باشد کسی چرا کاری راجع به المپیادها نمی‌کند. به جای این بگویند که چرا کسی برای کل دانشجویان فکری نمی‌کند. چرا دانشجویان باید لباسهایشان را با دست بشویند و وقت خود را صرف لباس شستن کند. چرا غذای دانشجو را مثلاً کنسرو نمی‌کنند تا مریض نشود و به بیمارستان نرود...

○ آیا بعد از درستان به ایران بر می‌گردید؟

● ما همگی بر می‌گردیم.

○ با چه انگیزه‌ای بر می‌گردید؟

● همه ما المپیادها بر می‌گردیم تا آنجایی که بتوانیم سازندگی کنیم، تا هر قدر که در توانمان است دینمان را ادا کنیم.

○ انشاءالله که کشور ما بتواند از سرمایه‌هایی مثل شما بهره‌برد.

○

○

○

